

آینه

لنت

یادداشت: به تدبیر روحانی اعتماد کنیم؛ غلامحسین کربلایی

عملکرد آقای روحانی در معرفی وزرا را باید در راستای همان شعارهایی که ایشان داد و مردم بر اساس آن رای دادند ارزیابی کرد. توجه به کابینه آقایان هاشمی و خاتمی تا حدودی پاسخ انتقاداتی که امروز نسبت به برخی وزرای پیشنهادی می‌شود را می‌دهد. در کابینه دوم آقای هاشمی با تمام ایامی که به تدبیر ایشان وجود داشت مورد نقد دوستانران ایشان نیز بود. با وجود اینکه مجلس چهارم و پنجم از مجلس فعلی بسیار معتدل تر بود اما آقای هاشمی ترجیح داد به‌جای عبدالله نوری، سکان وزارت کشور را به بهشارتی بسپارد. اما همین وزارت کشور با تدبیر هاشمی انتخبات دوم خرداد را برگزار کرد. در دولت آقای خاتمی هم به‌عنوان مثال آقای مظفر که وزیر پیشنهادی ایشان برای وزرات آموزش‌وپرورش بود مطلوب اصلاح‌طلبان نبود اما همه به آقای خاتمی اعتماد کردند و نتیجه‌اعتماد خود را هم دیدند. با احتساب این مثال‌ها و مجموعه ترکیبی که از کابینه بر می‌آید تصور نمی‌کنم با کابینه ضعیفی روبه‌رو باشیم و نتوانیم به اهداف خود برسیم.

بشار

یادداشت: کجایم توان فریاد زدا؟ امیرعباس نجفی

دولت امید و تدبیر شروع کرد. با مراسمی باشکوه و شعارهایی حکایت از امید، که می‌تواند آرزوهای مردم را دست‌یافتنی کند. آیا می‌توان به دولتی که مردم ایران آن را برای «تغییر» به میان آورده‌اند گفت که به‌جای انتخاب راه «مردم» و «شنیدن صدای مردم» راه اما را انتخاب کن چون حقیقت نزد اما است. حقیقتی که هشت‌سال با زندگی مردم ایران بازی کرد و همه‌چیز را جز زندگی آنان در نظر گرفت. باید به دولت روحانی اذازه داد که به خواست «مردم» و صدای مردم، تن در دهد و آن را به گوش جان بخرد و هر‌جا که از مسیر مردم منحرف شد آنجاست که می‌توان فریاد زد!

تاجران

یادداشت: «کابینه خوبی است الا در یک مورد... صادق زیباکلام

اگر کسی بگوید که وزرات کشور مهم‌ترین وزارت‌خانه

محسوب می‌شود مطمئنا به بیراهه نرفته است و سختی به گراف نگفته است و باید پذیرفت انتخاب رحمان فضلی برای این وزارت‌خانه که شاید کهن‌ترین نسبت را با کابینه و شخص رئیس‌جمهور و اصلاح‌طلبان و کارگزاران داشته باشد عجیب است، به‌خصوص اینکه از وی نه توانمندی و نه عملکرد شگفت‌انگیزی دیده نمی‌شود مگر اینکه حضور رحمان فضلی را امتیازی بدانیم که رئیس‌جمهور داده است تا در ادامه بتواند رای اعتماد کل کابینه را به دست آورد.

کیمیان

سر مقاله: انتظار آن است که...!حسین شریعتمداری

متأسفانه در فهرست پیشنهادی آقای دکتر روحانی، نام برخی از افراد به چشم می‌خورد که نه‌فقط کمترین شایستگی و صلاحیتی برای حضور در کابینه ندارند و نقاط سیاه فراوانی در کارنامه سوابق‌های پیشین خود دارند، بلکه با آموزه‌ها و برنامه‌های اعلام‌شده آقای دکتر روحلی- فاضل‌ای برترشدنی دارند- به یقین نمی‌توان گفت که رئیس‌جمهور محترم از هویت افراد مورد اشاره بی‌خبر بوده‌اند. این احتمال نیز قابل‌قبول نیست که دکتر روحانی در آغاز کار به گزینه‌های روی آورده است که با معیارها و موازین اعلام‌شده ایشان در تضاد و تناقض بوده و کمترین همخوانی نداشته باشند. پس علت چیست؟ پاسخ این پرسش را تنها بایستی در نکته‌ای جستجوچ کرد که روز چهارشنبه ۹۲/۹/۱۵ طی یادداشتی با عنوان «هدیه مجلس به روحانی و ملت» بر آن تاکید داشتیم. آنجا که آورده بودیم «با توجه به ترکیب کابینه پیشنهادی و برخی از شواهد موجود می‌توان حدس زد- و امروز آن حدس به یقین تبدیل شده است- که آقای روحانی در انتخاب گزینه‌ها، از سوی اصحاب فتنه، مدعیان اصلاحات و کارگزاران به‌شدت تحت فشار بوده است... آیا کسی که در دوران تصدی چندین و چندساله وزارت نفت، پرونده‌های مفتوح و بسیار ندادهای از انعقاد قراردادهای خسارت‌آفرین و بعضا شایع تر کمنجای داشته و از جمله در قرارداد ننگین «کرسنت» گاز ایران را بدون طی مراحل قانونی و از طریق واسطه‌های رشوه‌دهنده در ۱۴ ابرابر زیر قیمت روز به طرف خارجی واگذار کرده است و.. می‌تواند امین ملت ایران در وزارت حساس و سرنوشت‌ناک نفت باشا...؟! با فلان نامزد معرفی‌شده برای وزارت «صنعت، معین و تجارت» صاحب یک شرکت تجاری بزرگ در حوزه نفت با درآمد و ثروت نجومی است و یا!...؟ به یقین نمایندگان مردم از این آزمون بزرگ سرفراز بیرون خواهند آمد.

جمهوری اسلامی

میانگین سن وزرای پیشنهادی:۵۳سال

میانگین سنی وزرای معرفی‌شده توسط دکتر روحانی به مجلس شورای اسلامی ۵۳سال است. کم‌سن‌ترین فرد معرفی‌شده، طیب‌نیا وزیر پیشنهادی اقتصاد با ۵۳سال و سن‌ترین فرد، نعمت‌زاده وزیر پیشنهادی صنعت با ۶۸سال می‌باشد. روحانی اولین رئیس‌جمهوری است که فهرست اعضای پیشنهادی کابینه خود را همزمان با مراسم تحلیف به مجلس ارائه کرده‌است.

ایران

سر مقاله: «برای مردی که محمود بود؛ حنیف‌حسین ستاریان
آری اعتماد‌نژاد در حالی به پایان ریاست‌جمهوری رسید که جای‌جای کشور عزیزمان متاز از خدمات ارزنده‌ی وی است و در جهان ندای توحید، عدالت و انتظار موعود را سر داد و این ندا و آرمان را با مکتب ایران که همان مکتب اسلام ناب محمدی است گره زد. جناب روحانی عزیز- اگر در پایان دوره خود ده درصد عملکرد و موفقیت دولت دکتر محمود احمدی‌نژاد را هم کم شب کنید دولتی بسیار موفق در تاریخ ثبت خواهند شد.

سیاست

لطف‌الله میثمی در گفت‌وگو با «شرق»:

«دموکراسی نفتی» هم شدنی است

لیلا ابراهیمیان

«لطف‌الله میثمی» در مطبوعات و سیاست نام‌آشناست؛ نفت خوانده و این درس را به خوبی می‌شناسد. از دولت اصلاحات و سیاست‌های سیدمحمد خاتمی دفاع می‌کند، اما در باز خوانی تجربه‌اصلاحات، به اشتباهات اصلاح‌طلبان در کنار نقاط قوتشان اشاره می‌کند و باور دارد که در مواردی اصلاحات «مرحله‌سوزی» کرده است. اما در آمد کلان نفتی و اقتصاد رانتی را از آفت‌های نهادهای مدنی و دموکراسی‌خواهی می‌داند. به دفتر دومهائمه «چشم‌انداز ایران»، پایگاه این چریک بازنشسته می‌رویم؛ همانجایی که با او به گفت‌وگو نشستیم:

نفتی یک نفر و حذف آن کاملاً فرق دارد.

«اتجمن‌ها» و «سازمان‌های مردم‌نهاد» از

شمار می‌رود. به نظر شما فلسفه شعار مشترک

در دو فضای متفاوت زمانی به چه معناست؟

مولفه اصلی قانونگرایی ریشه در انقلاب

مشروطه، نهضت‌ملی و انقلاب‌اسلامی دارد. قانون

بستر رشد و توسعه و دموکراسی‌خواهی است.

«بله بزرگ به قانونگرایی» یعنی «نه بزرگ به نفخ

قانون اساسی» در نهایت یعنی تحول‌خواهی ملت

و اصلاح‌پذیری دولت.

«اما در برخی تحلیل‌ها بر «میل به قانون‌گریزی» در جامعه ایران تاکید می‌شود.

قانون‌گریزی گفتنمان درستی نیست. از دوره

مشروطه تا به الان عدم‌تمکین و عمل به قانون را هم

از طرف دولتمردان و هم از طرف مردم داشته‌ایم.

قانون‌گریزی دو مولفه دارد: یکی «منافع بادآورده»

و دیگری موانع «معرفتی» دارد که نمی‌خواهند

قانون‌گرایی وجود داشته باشد.

«در نهایت تحلیل شما از شعار قانون‌خواهی

دولت‌های «اصلاحات» و «تدبیر و امید، چیست؟

من تحلیل خودم را آن زمان درباره قانون‌خواهی

سیدمحمد خاتمی در دانشگاه پلی‌تکنیک امیرکبیر

گفتم و آن این بود که با محوریت قانون‌اساسی سه

نظام در یک نظام ادغام می‌شود. اولین نظام «نظام

قانونی» است که از مشروطیت به بعد موجودیت

دارد. نظام دوم «نظام فوق قانونی» است که باید

در نظام قانونی ادغام شود و نظام سوم «نظام

آموزش‌های حوزوی» است که به حلال و حرام

و اصول فقهی می‌پردازد و آن هم باید در قالب

قانون کن کند. در زمان دولت اصلاحات برای

اولین بار بود که این سه نظام در یک نظام قانونی

ادغام می‌شد و این آغازی برای توسعه کشور بود.

ما در جامعه بیشتر مواقع شاهد هستیم که این

سه نظام با هم درگیر هستند. در این دوره هم

مطالبه قانون‌گرایی، اعتدال و عقلانیت جز تایید

«نظام قانونی» نیست.

«با توجه به مسایلی که امروزه ایران در

حوزه سیاست خارجی با آن دست و پنجه نرم

می‌کند، دولت «تدبیر و امید، برای برگرداندن

اعتماد به حوزه دیپلماسی چه اولویتی را باید

در برنامه خود قرار دهد؟

مشخصه اصلی گفتنمان اعتدال یعنی التزام به

قانون اساسی است. یکی از تندروی‌های دولت نهم

و دهم «نفی هولوکاست» بود که هزینه زیادی را بر

کشور تحمیل کرد، به نظر من از اولویت‌های دولت

روحانی باید این باشد که درباره نفی هولوکاست

کاری کند که مطرح‌کنندگان آن عذرخواهی کنند

چون این گفتنمان هزینه کلان ملی و تحریم‌های

سخت را بر ایران تحمیل کرد. راحل بدون هزینه

برای این بحران فقط عذرخواهی کردن است.

آقای احمدی‌نژاد از انهدام اسرائیل حرف زدند

و ادعای حکومت جهانی کردند اما چه فایده

داشت؟ جز هزینه کلان ملی! این مشخص است

که ما موجودیت اسرائیل را قبول نداریم ولی

به جای صحبت از این مسایل چ‌را از نیروی

دیپلماسی، اتحاد اعراب، حقوق بشر اسلامی و

حقوق بشر جهانی و شورای امنیت بین‌المللی

صحبت نکنیم تا دنیا را متوجه مسایل اسرائیل

کنیم. به هر حال قطعنامه ۲۹۴ راجع به آواره‌ها،

قطعنامه ۳۳۸، قطعنامه ۲۴۴۲ فرورپاشی اسرائیل

را دربردارد. به جای انهدام می‌توانیم از خلع سلاح

اتمی در خاورمیانه صحبت کنیم.

«انتقاد شما به مطبوعات در دوره اصلاحات

چیست؟

به نظر من بعضی از مطبوعات در آن دوره کار

حزب را انجام دادند. برای مجلس فهرست کاندیدا

اعلام کردند که همه به غیر از علیرضا راجایی

به مجلس ششم رفتند. واکنش به این کارکرد

هزینه‌های کلان تعطیلی مطبوعات بود. به هر حال

مطالبه سیاسی کار احزاب است. روزنامه سلام در

مراکز استان‌ها ستاد خاتمی را تشکیل داد و بعداً از

این شکل، جبهه مشارکت به وجود آمد.

«چشم‌اندازی که برای مطبوعات در دولت

اعتدال ای‌بینی چگونه است؟

به نظر من مطبوعات باید با کارکرد مشخص

حرفه‌ای کار کنند. بالاخره هر نهاد کارکرد خاص

خودش را دارد. کار مطبوعات واقعاً با حزب فرق

دارد. مطبوعات ناظر بر جامعه و سیاست هستند.

الان مطبوعات درک درستی از کار حرفه‌ای خود

دارند و از توهین و برجس‌بزدن دوری می‌کنند.

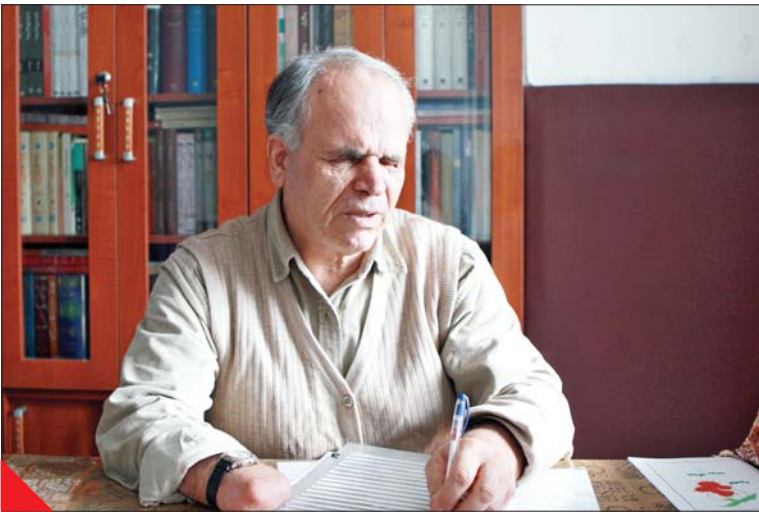
اگرچه همچنان روزنامه‌ای مثل کیهان را داریم اما

منطق آن در جامعه منزوی و کمرنگ است. مردم

پذیرای گفتن دوقطبی کاذب نیستند؛ اما این به

معنی نفی نقد نیست. نقد باید سازنده باشد و با

سیاست



عکس مهدی حسینی‌شرق

« یعنی با در آمد نفت دولت قوی‌تر می‌شود و

در مقابل جامعه ضعیف؟

ایین منحنی عمومیت ندارد. اما در اثر درآمد

نفتی ضعف اقتصادی و مدیریتی دولت برای مردم

نمایان نمی‌شود در ضمن این درآمد نیست بلکه

ثروت ملی است که جایگزین ندارد.

«با به هر حال دولت‌ها به چشم منبع درآمد به

آن نگاه می‌کنند.

بله و این نگاه اشتباهی است. آنچه معمول

هست مبنای درست‌بودن آن نیست. آقای خاتمی

می‌گفتند «مشکل اقتصاد ما مرض مزمن اعتیاد به

درآمد نفت است». پس این ثروت تجدیدناپذیر را

نباید در چرخه امور به کار برد و باید در توسعه

پایدار به کار برد.

« یعنی با نفت نمی‌توان به دموکراسی رسید؟

مسأله قدری پیچیده و چندوجهی است. یک

دیدگاه این است که با سیاست‌های صحیح از

سوی دولت‌ها در بهره‌برداری از درآمدهای نفتی،

می‌توان به توسعه دموکراسی کمک کرد. در مقابل

دیدگاه دیگری وجود دارد که معتقد است در

کشورهایی با پیشینه استبدادی وقتی که نفت با

آن درآمدهای وسوسه‌کننده در خدمت دولت‌های

حاکم قرار می‌گیرد به سرکوب منجر می‌شود.

« یعنی درآمد نفتی جایی منجی دموکراسی

است و جایی مغل آن؟

در کشورهای نفتی به دلیل درآمدهای هنگفت

ناشی از نفت به لحاظ مالی وابسته به مردم نبوده و

احساس نیاز به مردم هم نمی‌کند. بنابراین خود را

پاسخگوی مردم نمی‌دانند. برعکس در کشورهایی

که درآمد دولت اتکای زیادی بر مالیات دارد

وضعیت متفاوت است.

«اگر موافق هستنید به بحث اصلی خود

برگردیم: بالاخره احمدی‌نژاد حداقل در زمینه

اقتصاد شعار مردمی‌تر داد در حالی که دولت

اصلاحات متهم به این است که دولت طبقه

متوسط و نخبه‌ها بود.

اگر صحبت‌های آقای غرضی را در مناظره‌ها در

نظر بگیریم که می‌گفت تورم

یعنی بدست دولت در جیب

ملت، می‌بینیم که در دوره

اصلاحات تورم یکرقمی شد.

این ارتباط با اقشار مردم و پیوند

با توده‌ها نیست؟ در این دوره هم

دیدیم رفتن به روستا، تورم را ۲۴ تیر

ببت نبرده به هر حال اقشار باید

با شیوه درست پیگیری شود.

چرا روستایی‌هایی که یارانه

گرفتند این دوره به روحانی رای

دادند؟ به نظر من این معنادار

است. پیوند با اقشار شیوه‌اش

رشد اقتصادی و رونق اشتغال

درآمدزاست که فن و علم می‌خواهد نه سفرهای

استاتی.

«با این همه این پرسش همچنان باقی است

که چگونه گفتنمان توسعه سیاسی و توسعه

فرهنگی دوم‌خرداد به سوم تیر منتهی شود؟

به نظر من اصلاح‌طلبان در تاکتیک اشتباه

داشتند. آنها نتوانستند انتخابات سال ۸۴ را

مدیریت کنند و از این ضعف آنها سوءاستفاده شد.

البته در این دوره واقعاً این ضعف شناسایی شد

و روی آن کار کردند. دولت اصلاحات از امکانات

موجود هیچ استفاده‌ای نکرد. بعد از پایان دولت

هیچ دترتی برای کارکردن نداشتند. اگرچه این

به درست‌کاری آنها برمی‌گردد که هیچ کدام بعد

از تحویل قدرت پرونده قضایی و مالی نداشتند اما

باید دفتری برای کار داشتند.

«با به نظر شما ایین تقلیل‌گرایی نیست که

بگوییم اشتباهات دوره قبل فقط در تاکتیک

انتخابانی بود؟

اصلاح‌طلبان دو مولفه داشتند؛ بستر اصیل

قانون اساسی و آرای مردم که تا آخر به این پایبند

بودند.

«اما می‌گفتند گفتنمانش گفتنمان اصیل

انقلاب اسلامی است.

بله در حد شعار نه عمل. البته آقای احمدی‌نژاد

اکثر شعارهای فراموش‌شده اصلاح‌طلب‌ها را دوباره

تکرار کرد اما عمل نکرد مثل مقابله با مافیای

ادامه از صفحه ۳

مصوبات ضدايرانی کنگره

سیلی به صورت دیپلماسی

اصلا موضوع این نیست که این تحریم‌ها چه آسیبی به ایران زده است، رهبران ایران تا زمانی پیشنهاد معنادار و واقعی برای لغو تحریم‌ها نینبند، هیچ تمایلی برای امتیازدهی ندارند. این اقدام مجلس نمایندگان برای تهران به این معنا خواهد بود که آمریکا هیچ تمایلی به توافق ندارد و برعکس به‌دنبال تنبیه ایرانی‌ها و تغییر رژیم است. خلاصه کلام اینکه، تصویب چنین طرح‌هایی بیشتر به‌معنای ازبین‌بردن امکان هرگونه نرمش است که ما خود از تهران توقع داریم. تصویب این طرح‌ها همچنین نشانه تقویت خصومت‌هاست.

نمی‌خواهم مجدداً به تکرار واقعیات بپردازم. نقش مذاکرات و شرایط موردنیاز برای موفقیت‌آمیزبودن گفت‌وگوها با ایران در نامه‌های جداگانه‌ای که به اوپاما فرستاده شده، مطرح شده است.

نامه‌هایی که در طول چند هفته گذشته یک‌بار توسط مقامات ارشد امنیتی آمریکا و باردیگر با امضای بیش از یک‌چهارم اعضای مجلس نمایندگان، فرستاده شد. تأثیرات مخرب چنین طرح‌هایی را کسانی مثل «مارک جاسون» از فدراسیون دانشمندان آمریکا و «پوشا ساهای» از مرکز کنترل و منع گسترش تسلیحات هسته‌ای یادآوری کرده‌اند. واقعاً تعداد معدودی از اعضای کنگره هستند که تلاش‌شان را در راستای هدف منع دستیابی

ایران به سلاح اتمی تعریف می‌کنند. شاید بعضی به «نگهبانی» خوب فکر می‌کنند، اما رویکرد نگهبانی بد، همین وضعیت فعلی از

سوی قوم‌محریه و مقننه به مذاکره‌کنندگان غربی کمک می‌کند. اما مجموع اتفاق‌های افتاده نشان می‌دهد که چنین خواستی با پیگیری این

رویکرد تابه‌حال که نتیجه نداده است.

گروه دیگری از اعضای کنگره هم احتمالاً

به‌سادگی تحریم‌ها را به‌عنوان جایگزینی برای

جنگ مدنظر دارند.

وقتی از نزدیک با اکثر اعضای کنگره

صحبت می‌کنید یا در مکالمه‌های شخصی

پیگیر نظراتشان می‌شوید، بیش از زمانی که

دوربین‌ها یا میکروفن‌ها روشن هستند، افراد

باوشی هستند. من تردید دارم که بسیاری

از آنها صادقانه به آنچه انجام می‌دهند- قانونی

که برای تشدید تحریم‌ها علیه ایران تصویب

کردند- اعتقادی داشته باشند. یعنی اعتقاد

داشته باشند که قانون مصوب در راستای

اقداماتنی است که واقعاً شناس ایران برای

اتمی‌شدن را کم می‌کند.

در این میان بعضی‌ایشان بر این باورند

که